



درس دوم

تداوم هدایت

خداوند با لطف و رحمت خود، ما انسان‌ها را تنها نگذاشت و هدایت ما را بر عهده گرفت و راهی را در اختیارمان قرار داد، که همان راه مستقیم خوشبختی است.
در این درس می‌خواهیم به این سؤال‌ها پردازیم که :
آیا خداوند یک راه و یک دین برای ما فرستاده، یا راه‌ها و ادیان متعددی در اختیارمان قرار داده است؟

چرا خداوند پیامبران متعددی برای هدایت انسان فرستاده است؟
علت پایان یافتن ارسال پیامبران از سوی خداوند چیست؟

به ترجمه آیات توجه کنید :

۱- «خداوند از دین همان را برایتان بیان کرد که نوح را بدان سفارش نمود. و آنچه را ما به تو وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه نمودیم، این بود که دین را به پا دارید، و در آن تفرقه نکنید.»^۱

۲- «قطعاً دین نزد خداوند، اسلام است و اهل کتاب در آن، راه مخالفت نپیموندند مگر پس از آنکه به حقانیت آن آگاه شدند، آن هم به دلیل رشک و حسدی که میان آنان وجود داشت.»^۲

۳- «[این دین] آیین پدرتان ابراهیم است و او شما را از پیش مسلمان نامید.»^۳

۴- «ابراهیم نه یهودی بود و نه مسیحی؛ بلکه یکتاپرست (حق‌گرا) و مسلمان بود.»^۴

اکنون به این سؤالات پاسخ دهید :

الف) خداوند از پیامبران می‌خواهد تا در چه چیز تفرقه نکنند؟

.....

ب) دین مورد قبول نزد خداوند کدام است؟

ج) اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) با چه چیزی مخالفت کردند؟ علت مخالفت آنها چه بود؟

.....

د) حضرت ابراهیم علیه السلام چه آیینی داشت؟

ه) مسیحیان و یهودیان او را پیرو چه آیینی می‌دانستند؟

.....

دین به معنای «راه» و «روش» است. دین اسلام راه و روشی است که خداوند برای زندگی انسان‌ها برگزیده است. بر اساس آیات قرآن کریم، خداوند یک دین برای انسان‌ها فرستاده و به همه پیامبران فرمان داده است تا همان دین را در میان مردم تبلیغ کنند و راه تفرقه در پیش نگیرند. انبیا هم این فرمان را اطاعت کرده و مأموریت خود را با شایستگی انجام داده‌اند.

حال شایسته است بدانیم :

۱- چرا خداوند فقط یک دین برای هدایت بشر فرستاده است؟

۲- با وجود یکی بودن دین، چرا خداوند پیامبران متعدد فرستاده است؟

۳- چرا بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پیامبر جدیدی نمی‌آید و پیامبری به ایشان ختم می‌شود؟

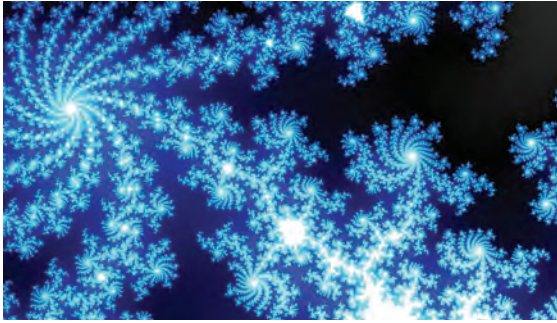
۱- سوره شوری، آیه ۱۳.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۹.

۳- سوره حج، آیه ۷۸.

فطرت مشترک، منشأ دین واحد

فیلم (۱): فطرت چیست؟



فطرت به معنای نوع خاص آفرینش است. وقتی از فطرت انسان سخن می‌گوییم، منظور آفرینش خاص انسان و ویژگی‌هایی است که خداوند در اصل آفرینش وی قرار داده است و انسان‌ها با این ویژگی‌های خاص شناخته می‌شوند. از ابتدای آفرینش انسان تاکنون، اقوام مختلفی روی زمین زندگی کرده‌اند؛ این

افراد با اینکه در برخی خصوصیات، مانند نژاد، زبان، و آداب و رسوم با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند، ولی همگان ویژگی‌های فطری مشترکی دارند؛ به طور مثال، همه انسان‌ها:

✿ از سرمایه تفکر و قدرت اختیار برخوردارند.

✿ فضیلت‌های اخلاقی مانند عدالت و خیرخواهی را دوست دارند و از رذائل اخلاقی مانند ظلم،

حسادت و دروغ بیزارند.

✿ به دنبال زیبایی‌ها، خوبی‌ها و کمالات نامحدودند.

✿ از فنا و نابودی گریزان و در جست‌وجوی زندگی جاودانه هستند.

به سبب این ویژگی‌های مشترک (فطرت)، خداوند یک برنامه کلی به انسان‌ها ارزانی داشته، تا آنان را به هدف مشترکی که در خلقتشان قرار داده است، برساند. همان‌طور که گفته شد، این برنامه، اسلام نام دارد که به معنای تسلیم بودن در برابر خداوند است.

در این برنامه از انسان خواسته می‌شود تا با اندیشه در خود و جهان هستی، به ایمان قلبی دست یابد. ایمان به:

● خدای یگانه و دوری از شرک

● فرستادگان الهی و راهنمایان دین

● سرای آخرت، و پاداش و حسابرسی عادلانه

● عادلانه بودن نظام هستی

و در عرصه عمل نیز از انسان می‌خواهند با ایمانی که کسب کرده است، تلاش نماید تا:

- با انجام واجبات دین و ترک حرام‌های آن، خداوند را عبادت و بندگی کند.
- فضایل اخلاقی مانند عفت، راستگویی و امانت‌داری را کسب نماید و از رذائل اخلاقی، مانند ظلم، نفاق، دروغ و ربا دوری کند.
- جامعه‌ای دینی بر اساس عدالت بنا نماید.

همه پیامبران الهی، مردم را به این امور فراخوانده‌اند. به همین دلیل، محتوای اصلی دعوت پیامبران یکسان است. در واقع همه آنها یک دین آورده‌اند. با این وجود، تعالیم انبیا در برخی احکام فرعی، متناسب با زمان و سطح آگاهی مردم و نیازهای هر دوره تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته است؛ مثلاً همه پیامبران، امت‌های خود را به نماز دعوت کرده‌اند، اما در شکل و تعداد آن تفاوت‌هایی بوده است؛ البته این قبیل تفاوت‌ها سبب تفاوت در اصل دین نشده است.

علل فرستادن پیامبران متعدد

در پاسخ به سؤال دوم می‌توان گفت فرستادن پیامبران متعدد به این دلایل بوده است:

الف) استمرار و پیوستگی در دعوت: لازمه ماندگاری یک پیام، تبلیغ دائمی و مستمر آن است. پیامبران الهی با ایمان استوار و تلاش بی‌مانند، در طول زمان‌های مختلف دین الهی را تبلیغ می‌کردند. آنان سختی‌ها را تحمل می‌کردند تا خداپرستی، عدالت‌طلبی و کرامت‌های اخلاقی میان انسان‌ها جاودان بماند و گسترش یابد و شرک، ظلم و رذائل اخلاقی از بین برود. این تداوم سبب شد تا تعالیم الهی جزء سبک زندگی و آداب و فرهنگ مردم شود و دشمنان دین نتوانند آن را به راحتی کنار بگذارند.

ب) رشد تدریجی سطح فکر مردم: علت دیگر فرستادن پیامبران متعدد، رشد تدریجی فکر و اندیشه و امور مربوط به آن، مانند دانش و فرهنگ می‌باشد.

از این رو، لازم بود تا در هر عصر و دوره‌ای پیامبران جدیدی مبعوث شوند، تا همان اصول ثابت دین الهی را در خور فهم و اندیشه انسان‌های دوران خود بیان کنند و متناسب با درک آنان سخن گویند. در حقیقت، هر پیامبری که مبعوث می‌شد، درباره توحید، معاد، عدالت، عبادت خداوند و مانند آن سخن گفته، اما بیان او در سطح فهم و درک مردم زمان خود بوده است.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

إِنَّا مَعَايِرُ الْأَنْبِيَاءِ أُمِّرْنَا

أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ

ما پیامبران مأمور شده‌ایم

که با مردم به اندازه عقل‌شان سخن بگوئیم

ج) تحریف تعلیمات پیامبر پیشین: به علت ابتدایی بودن سطح فرهنگ و زندگی اجتماعی و عدم توسعه کتابت، تعلیمات انبیا به تدریج فراموش می‌شد، یا به گونه‌ای تغییر می‌یافت که با اصل آن متفاوت می‌شد؛ بر این اساس، پیامبران بعدی می‌آمدند و تعلیمات اصیل و صحیح را بار دیگر برای مردم بیان می‌کردند.

فیلم (۲): نمونه‌هایی از تحریفات صورت گرفته در انجیل از زبان یک تازه مسلمان

نگاهی به تورات و انجیل و تحریفات آنها

شما احتمالاً نام کتاب مقدس را شنیده‌اید. این کتاب مشتمل بر دو قسمت عهد عتیق (تورات و چند بخش دیگر) و عهد جدید (انجیل) است و به همین دلیل این کتاب به عهدین معروف است. عهد عتیق فقط کتاب مقدس یهودیان است ولی مسیحیان تورات و انجیل را با هم به‌عنوان کتاب مقدس قبول دارند. وجود تعلیمات متناقض با عقل و علم نشان می‌دهد بخش‌های زیادی از عهدین تحریف شده است.

یهودیان، توراتی را که از حضرت موسی عليه السلام باقی مانده بود، در تابوت مقدس نگهداری می‌کردند اما در سال ۵۸۶ قبل از میلاد مسیح، این تابوت و تورات داخل آن در حمله بخت النصر نابود شد. یهودیان در سال ۴۷۵ قبل از میلاد مجدداً تورات را جمع‌آوری کردند. یعنی ۱۱۱ سال خبری از تورات نبود و همین امر سبب تغییر و دگرگونی در تورات شد.

درباره کتاب انجیل نیز خود مورخان غربی نوشته‌اند که پس از عروج حضرت عیسی عليه السلام، هیچ اثری از کتاب انجیل میان مردم نبود. پس از گذشت مدتی برخی از یاران حضرت عیسی عليه السلام یا شاگردان آنها برداشت‌ها و خاطرات خود را از آن حضرت نوشتند و نام انجیل بر آن نهادند، به گونه‌ای که ده‌ها انجیل تألیف شد. تا اینکه چند قرن بعد، شورای مرکزی مسیحیان تصمیم گرفت تنها چهار انجیل را تأیید کند و اجازه نشر و گسترش سایر انجیل‌ها را ندهد.^۱

به نمونه‌هایی از تحریفات صورت گرفته در کتاب مقدس توجه کنید :

✻ و مار از همه حیوانات صحرا که خداوند ساخته بود، هُشیارتر بود. به زن [حوا] گفت : آیا خدا حقیقتاً گفته است که از همه درختان باغ نخورید؟

زن به مار گفت : از میوه درختان باغ می‌خوریم، لکن از میوه درختی که در وسط باغ است، خدا گفت از آن نخورید و آن را لمس نکنید، مبدا بمیرید.

مار به زن گفت : هر آینه نخواهید مرد، بلکه خدا می‌داند در روزی که از آن بخورید، چشمان شما باز شود و مانند خدا، عارف نیک و بد خواهید بود.

کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر پیدایش، باب ۳ : ۵-۱

✻ [پس از خوردن میوه ممنوعه توسط آدم و حوا] خداوند گفت : همانا انسان مثل یکی از ما شده است، که عارف نیک و بد گردیده. اینک مبدا دست خود را دراز کند و از درخت حیات نیز بخورد، و تا ابد زنده ماند.

پس خداوند آدم را بیرون کرد و در طرف شرقی باغ عدن، فرشتگان را قرارداد و [همچنین] شمشیر آتشی را که به هر سو گردش می‌کرد تا از درخت حیات محافظت کند.

کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر پیدایش، باب ۳ : ۲۴-۲۲

✻ و یعقوب تنها ماند و فردی [خدا] با وی تا طلوع فجر کشتی می‌گرفت.

۱- برای مطالعه بیشتر در این خصوص، به مقدمه آقای جمشید غلامی نهاد بر کتاب «انجیل برنابا»، نشر نیایش مراجعه کنید.

و چون او دید نمی تواند بر وی [یعقوب] غلبه کند، کف پای یعقوب را فشرد، و کف پای یعقوب در کشتی گرفتن با او فشرده شد.

پس او [خدا] گفت: «مرا رها کن زیرا که فجر می شکافد.» [یعقوب] گفت: تا مرا خیر و برکت ندهی، تو را رها نکنم.

او گفت: نام تو چیست؟ گفت: «یعقوب».

گفت: از این پس نام تو یعقوب خوانده نشود بلکه اسرائیل خوانده شود، زیرا که با خدا مبارزه کردی و نصرت یافتی! ...

و یعقوب آن مکان را «فنیثیل» نامیده، گفت: زیرا در این مکان خدا را روبه رو دیدم و جانم رستگار شد.

کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر بیدایش، باب ۳۲: ۳۰-۲۴

✽ و [آدم و حوا] صدای خدا را که در حال راه رفتن در باغ بود، شنیدند و آدم و زنش خویشترن را از حضور خداوند در میان درختان باغ پنهان کردند.

و خداوند آدم را ندا داد و گفت: کجا هستی؟

[آدم] گفت: چون آوازت را در باغ شنیدم، ترسان گشتم، زیرا که عریانم. پس خود را پنهان کردم

کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر بیدایش، باب ۳: ۱۰-۸

✽ خدا جهان را این قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را [حضرت عیسی] داد تا هر که به او ایمان آورد، هلاک نگردهد بلکه حیات جاودانی یابد.

زیرا خدا پسر خود را در جهان نفرستاد تا بر جهان داوری کند، بلکه تا به وسیله او جهان نجات یابد.

کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل یوحنا، باب ۳: ۱۶

دانش تکمیلی (۱)

با اینکه تورات و انجیل های امروزی با آنچه خداوند به عنوان کتاب آسمانی فرستاده بود، تفاوت های بسیاری دارد و سعی شده تا هر جا که به صورت مستقیم بشارتی به آمدن حضرت محمد ﷺ داده شده است، حذف یا تحریف شود، اما هنوز آثاری از این بشارت ها در این دو کتاب باقی است. اگر دوست دارید با برخی از این بشارت ها آشنا شوید به بخش «دانش تکمیلی» سایت گروه قرآن و معارف مراجعه کنید: <http://quran-dept.talif.sch.ir>

پاسخ سوالات شما (۱)

برخی این سؤال را می پرسند که اگر خداوند پیامبران را برای هدایت تمامی انسان ها فرستاده است، پس چرا همه پیامبران در منطقه غرب آسیا و بین النهرین مبعوث شده اند و ما پیامبری که در آفریقا یا اروپا مبعوث شده باشد، نداریم؟

در پاسخ باید گفت: ادعای بعثت همه پیامبران در این منطقه ادعای درستی نیست؛ زیرا:

۱- بنا بر فرمایش خداوند در قرآن کریم، هیچ امتی در گذشته نبوده مگر اینکه برای آن امت هشداردهنده، راهنما و پیامبری فرستاده شده است؛ این آیات به صراحت اعلام می‌کنند که همه اقوام و ملت‌ها از نعمت نبوت و هدایت الهی برخوردار بوده‌اند. برخی از این آیات عبارت‌اند از:

... وَ إِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ^۱ ...

و هر امتی در گذشته اندازکننده‌ای داشته است.

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ يَعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ^۲ ...

ما در هر امتی رسولی برانگیختیم تا خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید...

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ^۳ ...

جز این نیست که تو بیم‌دهنده‌ای و هر قومی را هدایتگری است.

۲- در قرآن کریم، تصریح شده که نام بسیاری از پیامبران در این کتاب شریف نیامده است.^۴ یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر از سوی خداوند مبعوث شده‌اند که تنها حدود ۳۰ نفر از آنها در قرآن نام برده شده است؛ اگر قرار بود فقط نام پیامبران در قرآن ذکر شود تصور کنید که حجم قرآن چقدر می‌شد! از همین جهت، ما اسامی بسیاری از پیامبران مناطق آسیای شرقی، اروپا و آمریکا و آفریقا را در دست نداریم.

چکیده سخن اینکه، نمی‌توان وجود پیامبران را به منطقه خاورمیانه محدود دانست، بلکه همان‌گونه که بیان شد، هیچ قومی بر روی زمین از هدایت پیامبران محروم نبوده است.

عوامل ختم نبوت

از آنجا که خداوند پیامبران را می‌فرستد، و اوست که نیاز یا عدم نیاز به پیامبر را در هر زمان تشخیص می‌دهد، تعیین زمان ختم نبوت نیز با خداست. زیرا اوست که دقیقاً می‌داند عوامل ختم نبوت فراهم شده یا نه. مثلاً یکی از عوامل بی‌نیازی از آمدن پیامبر جدید، حفظ کتاب آسمانی از تحریف و وجود آن در میان مردم است. اما تشخیص اینکه در چه زمانی مردم به مرحله‌ای می‌رسند که می‌توانند کتاب آسمانی خود را حفظ کنند، در توانایی انسان نیست و فقط خداوند از چنین علمی برخوردار است. بنابراین، با توجه به اعلام ختم نبوت در زمان حضرت محمد ﷺ، در می‌یابیم که عوامل

۱- سوره فاطر، آیه ۲۴.

۲- سوره نحل، آیه ۳۶.

۳- سوره رعد، آیه ۷.

۴- سوره غافر، آیه ۷۸ و سوره نساء، آیه ۱۶۴.

بی‌نیازی از پیامبر جدید فراهم بوده است. برخی از این عوامل عبارت‌اند از :

۱- آمادگی جامعه بشری برای دریافت برنامه کامل زندگی : پایین بودن سطح درک انسان‌ها و عدم توانایی آنان در گرفتن برنامه کامل زندگی از عوامل تجدید نبوت‌ها بود. در عصر نزول قرآن، با اینکه مردم حجاز سطح فرهنگی پایینی داشتند، اما آمادگی فکری و فرهنگی جوامع مختلف به میزانی بود که می‌توانست کامل‌ترین برنامه زندگی را دریافت و حفظ کند و به کمک آن، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به دست آورد. به همین جهت می‌بینیم که با ورود اسلام به سرزمین‌های دیگری مانند ایران، عراق، مصر و شام، نهضت علمی و فرهنگی بزرگی آغاز شد و دانشمندان و عالمان فراوانی ظهور کردند.

۲- حفظ قرآن کریم از تحریف : با تلاش و کوشش مسلمانان و در پرتو عنایت الهی و با اهتمامی که پیامبر اکرم ﷺ در جمع‌آوری و حفظ قرآن داشت، این کتاب دچار تحریف نشد و هیچ کلمه‌ای بر آن افزوده یا از آن کم نگردید. به همین جهت این کتاب نیازی به «تصحیح» ندارد و جاودانه باقی خواهد ماند.^۱

۳- وجود امام معصوم پس از پیامبر اکرم ﷺ : تعیین امام معصوم از طرف خداوند سبب شد که مسئولیت‌های پیامبر، به جز دریافت وحی ادامه یابد و جامعه کمبودی از جهت رهبری و هدایت نداشته باشد.^۲

۴- پویایی و روزآمد بودن دین اسلام : دینی می‌تواند برای همیشه ماندگار باشد که بتواند به همه سؤال‌ها و نیازهای انسان‌ها در همه مکان‌ها و زمان‌ها پاسخ دهد. دین اسلام ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای بشر در دوره‌های مختلف باشد. برخی از ویژگی‌ها عبارت‌اند از :

اول : توجه به نیازهای متغیر، در عین توجه به نیازهای ثابت : انسان در زندگی فردی و اجتماعی دو دسته نیاز دارد : نیازهای ثابت مانند نیاز به امنیت، عدالت، داد و ستد با دیگران، ازدواج و تشکیل خانواده، تعلیم و تربیت و حکومت. این نیازها در همه زمان‌ها برای بشر وجود داشته است و

۱- در مورد عدم تحریف قرآن دلایل زیادی وجود دارد. یکی از دلایلی که شبهه تحریف را از بین می‌برد این است که همه نسخه‌های قرآنی که از صدر اسلام و همچنین در دوره‌های مختلف تاریخی باقی‌مانده است دقیقاً به همین شکلی است که اکنون وجود دارد. با توجه به این نکته اگر تغییر و تحریفی در قرآن رخ می‌داد بی‌تردید باید شاهد تفاوت قرآن‌های امروزی با نسخه‌های به جای مانده از قرن‌های گذشته و به خصوص صدر اسلام باشیم.

امروزه در مجموعه‌های فرهنگی و موزه‌های مربوط به نسخ خطی جهان، قرآن‌هایی موجود است که نگارش آنها به بیش از هزار سال و گاه به عصر پیامبر می‌رسد، و همه این نسخه‌ها از آغاز تاکنون بدون هیچ تحریف و کاستی و یا زیادتی است و همگی از لحاظ آیات و محتوا همانند یکدیگر هستند. به تازگی نیز در تحقیقاتی، کارشناسان آلمانی بی‌برده‌اند قرآنی که در کتابخانه دانشگاه توپینگن آلمان نگهداری می‌شود، بسیار قدیمی و مربوط به نیمه اول قرن اول هجری است. قرآن یادشده از ۱۵۰ سال پیش در خزانه کتابخانه دانشگاه توپینگن نگهداری می‌شود، اما تاکنون کسی به قدمت و اهمیت آن پی نبرده بود. نسخه‌شناسان با استفاده از تکنیک‌های نوین دریافته‌اند که قرآن مذکور، در سال‌های ۶۴۹ تا ۶۷۵ میلادی تحریر شده است، یعنی تنها ۲۰ تا ۴۰ سال پس از وفات حضرت محمد ﷺ. برای کسب اطلاعات بیشتر در این خصوص مراجعه کنید به : www.archaeologie-online.de/nachrichten ; www.mehrnews.com/news/2427087

۲- با مسئولیت‌های پیامبر و امامان در درس‌های آینده آشنا خواهید شد.

از بین نمی‌روند. دین اسلام برای هر کدام از این نیازها قوانین ثابت و مشخصی دارد. دسته دیگر، نیازهای متغیر هستند که از درون همین نیازهای ثابت پدید می‌آیند؛ یعنی، انسان‌ها با گذشت زمان برای پاسخ‌گویی به نیازهای ثابت خود، از روش‌ها و شیوه‌های مختلف و متغیری استفاده می‌کنند. مثلاً داد و ستد یک نیاز ثابت است؛ اما شیوه و چگونگی داد و ستد ممکن است در هر زمان تغییر کنند. مثلاً یک روز کالا را با کالا عوض می‌کردند، روز دیگر به جای کالا سکه می‌گرفتند، بعدها پول اعتباری یعنی اسکناس به بازار آمد و امروزه قراردادهای بانکی، معامله‌ها را تنظیم می‌کنند. نیاز به امنیت هم یک نیاز ثابت است، اما چگونگی تأمین امنیت و ابزارها و اسلحه‌هایی که به این منظور به کار گرفته می‌شود در مقایسه با دوره‌های گذشته بسیار متفاوت شده است. معارف اسلامی به گونه‌ای است که متخصصان دین می‌توانند از درون آن با توجه به نیازهای جدید به وجود آمده، قوانین مورد نیاز جامعه دربارهٔ بانکداری، اسکناس، خرید و استفاده از سلاح‌های جدید را استخراج کنند و در اختیار مردم قرار دهند.^۱

دوم: وجود قوانین تنظیم‌کننده: در اسلام دسته‌ای از قواعد و قوانین وجود دارد که به مقررات اسلامی خاصیت انطباق و تحرک داده است. این قواعد بر همه احکام و مقررات اسلامی تسلط دارند و مانند بازرسان عالی، احکام و مقررات را تحت نظر قرار می‌دهند و کنترل می‌کنند. به طور مثال پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: لاَ ضَرَرَ وَ لاِضْرَارَ فِی الْاِسْلَامِ؛^۲ اسلام با ضرر دیدن و ضرر رساندن مخالف است. این سخن به صورت یک قاعده درآمده و بسیاری از مقررات اسلامی را کنترل می‌کند. مثلاً روزه ماه رمضان بر هر مکلفی واجب است، اما اگر این روزه برای شخصی ضرر داشته باشد، بر او حرام می‌شود. بنابراین، بر اساس عواملی که بیان شد، آخرین پیامبر الهی، کامل‌ترین و شایسته‌ترین برنامه را برای هدایت تمامی انسان‌ها، در همهٔ زمان‌ها به مردم معرفی نمود و دیگر نیازی به آمدن پیامبر جدید نیست.



یکی خط است ز اول تا به آخر بر او خلق جهان گشته مسافر
در این ره، انبیا چون ساربان اند دلیل و رهنمای کاروان اند

۱- به عنوان مثال، در مورد نیاز به امنیت و حفظ کشور در برابر تهاجم دشمن، که یک نیاز ثابت است، یک قاعده ثابت وجود دارد و آن اینکه در قرآن کریم می‌فرماید: وَ اَعِدُوا لَهُمْ مَا سَتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهٖ عَدُوُّ اللّٰهِ وَ عَدُوُّكُمْ ... هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های ورزیده فراهم آورید، تا به وسیلهٔ آن دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید. (سوره انفال، آیه ۶۰)

فراهم کردن نیرو و قدرت برای تأمین امنیت و به میزانی که دشمن بترسد و جرئت حمله پیدا نکند، یک قاعده ثابت است؛ اما مصداق این نیرو در هر زمان متفاوت است. همان‌گونه که در یک دورهٔ زمانی برای مقابله با دشمن به اسب نیاز بوده است، امروزه حکومت اسلامی وظیفه دارد به هر ابزار جدید و مشروعی برای حفظ کشور دست یابد تا کشور را از هر تهدیدی حفظ کند.

۲- من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۳، ص ۱۰۳.

و ز ایشان سید ما کشته سالار
 هم او اول هم او آخر در این کار
 بر او ختم آمده پایان این راه
 بر او نازل شده «ادْعُوا إِلَى اللَّهِ»^۱
 شده او پیش و دل ما جمله در پی
 گرفته دست جان ما دامن وی^۲

وظیفه پیروان پیامبران گذشته

وقتی خداوند پیامبر جدیدی برای هدایت مردم می فرستد، وظیفه پیروان پیامبر قبل چیست؟ آیا ادامه پیروی از دستورات پیامبر قبلی، مورد قبول خداوند است؟

همان طور که بیان شد، خداوند فقط یک دین و یک راه برای هدایت انسان ها فرستاده است که از آن به «اسلام» تعبیر می شود. هر یک از پیامبران، این دین الهی را در خور فهم و اندیشه انسان های دوران خود بیان کرده اند. آمدن پیامبر جدید و آوردن کتاب جدید نشانگر این است که بخشی از تعلیمات پیامبر قبلی، اکنون نمی تواند پاسخ گوی نیازهای مردم باشد.

هر پیامبری که می آمد به آمدن پیامبر بعدی بشارت می داد و بر پیروی از او تأکید می کرد. بنابراین، وجود دو یا چند دین در یک زمان، نشانگر این است که پیروان پیامبر قبلی به آخرین پیامبر ایمان نیاورده اند و این کار به معنای سرپیچی از فرمان خدا و عدم پیروی از دستورات پیامبران گذشته است. علاوه بر این، امروزه به جز قرآن کریم هیچ کتاب آسمانی دیگری وجود ندارد که بتوان گفت محتوای آن به طور کامل از جانب خداست و انسان ها آن را کم و زیاد نکرده اند و با اطمینان خاطر بتوان از آن پیروی کرد. بنابراین، تنها دینی که می تواند مردم را به رستگاری دنیا و آخرت برساند اسلام است:

و هر کس که دینی جز اسلام اختیار کند

هرگز از او پذیرفته نخواهد شد

و در آخرت از زیان کاران خواهد بود.

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا
 فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ

وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ^۳

برخی تصور می کنند پیامبران مانند فروشندگان کالا هستند که هر کدام برای خود فروشگاههای باز کرده و کالای خود را تبلیغ می کنند و مردم می توانند بین آن کالاها یکی را انتخاب نمایند. در صورتی که پیامبران مانند معلمان یک مدرسه اند که پایه های مختلف تحصیلی را به ترتیب تدریس می کنند و هر کدام مطالب سال قبل را تکمیل می کنند. آنان همه یک برنامه و هدف مشخص را دنبال و همه یکدیگر را تأیید کرده اند. بنابراین، اگر کسی به آخرین پیامبر الهی ایمان بیاورد در واقع به تمام پیامبران سابق نیز ایمان آورده است.^۴

۱- سوره یوسف، آیه ۱۰۸.

۲- دیوان گلشن راز، شیخ محمود شبستری.

۳- سوره آل عمران، آیه ۸۵.

۴- سوره بقره، آیه ۱۳۶.

برای کسب دانش بیشتر در خصوص چگونگی محاسبه اعمال افراد غیرمسلمان در جهان آخرت به سایت گروه قرآن و معارف بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

پاسخ سؤالات شما (۲)

دین دانی یا دین داری؟!

ممکن است این سؤال برای برخی به وجود آید که چرا در میان پیروان دین راستین، جوامعی وجود دارد که نه تنها به سمت رشد و پیشرفت نمی روند بلکه به انواع گرفتاری ها و مشکلات دچار هستند؟ اگر دین آمده است تا با پاسخ به پرسش ها و نیازهای اساسی انسان ها، آنها را از مشکلات و تنگناها نجات دهد، چرا برخی جوامع دینی، گرفتار چنین مشکلاتی هستند؟

اولین علت بروز این مسئله، جهل بسیاری از مردم نسبت به دستورها و تعالیم دین است. آنان با اینکه ادعا می کنند دین دار هستند، ولی از دستورهای دین اطلاع کامل و درستی ندارند و به جای آنکه در پی مطالعه و یادگیری معارف دین باشند، به آنچه از این و آن شنیده اند بسنده می کنند. آنان نه می دانند که اصول دینشان چیست و بر چه پایه هایی استوار است و نه از احکام و قوانین دینشان که در زندگی روزمره باید به آن عمل کنند، خبر دارند. این گونه جوامع شاید به ظاهر دینی باشند، اما در واقع بهره ای از تعالیم نجات بخش دین نبرده اند.

دومین علت، عمل نکردن مردم به دستورهای دین است. برخی مردم با وجود آگاهی از تعالیم دین و با اینکه می دانند که نجات آنها در عمل به این تعالیم است، اما به دلیل دل بستن به هوس های زودگذر، به آن عمل نمی کنند و پایبند به دستورهایش نیستند.

بنابراین، اگر می خواهیم تأثیر بی نظیر دین را در زندگی و جامعه خود مشاهده کنیم، باید مطالعه و شناخت تعالیم دین و سپس اطاعت از دستورهای آن را سرلوحه کار خود قرار دهیم. البته در این راه باید سعی کنیم به تمام احکام شریعت عمل کنیم، نه اینکه به برخی موارد عمل کنیم و برخی دیگر را کنار بگذاریم.

اندیشه و تحقیق

به نظر شما آیا این امکان وجود داشت که خداوند برنامه سعادت بشر را یک بار برای همیشه در

زمان حضرت آدم علیه السلام برای مردم بفرستد؟ چرا؟

